



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹ / ۰۸ / ۰۶

آریانا افغانستان آنلاین

سخنان کریم خلیلی را شنیدم مات و مبهوط شدم

نویسنده: خانم فاطمه دانشیار

اقتباس از صفحه فیس بُک ایشان



دوستان من در هیچ حزب و تکت انتخاباتی نیستم اما سخنرانی امروز آقای کریم خلیلی را که از تلویزیون تماشا می کردم دقیقاً به یاد آن روزی افتادم که ۵ سال قبل زمانی که انتخابات میان عبدالله عبدالله و اشرف غنی به دوره دوم کشیده شده بود. جناب کریم خلیلی تعدادی از جوانان و نهاد های مدنی را به دفتر کارته چهار خودش دعوت کرده بود. و در این دعوت به هر شخص یک عدد سی دی رایت شده دادن که محتوای Cd فلمی ۲۶ دقیقه ای از جنگ های کابل و بیشتر صحنه های جنگ افشار بود و آن سی دی فعلاً نزد من موجود است.



در این فلم داکتر عبدالله را در حال شلیک نمودن زیو (دافعه) به سمت افشار نشان میدهند. در یک قسمت این فلم داکتر عبدالله در قله کوه بلندی حضور دارد و از آن قله کوه با سلاح های عجیب و غریب به طرف افشار شلیک می کند

و از منطقه افشار چنان دود و خاک تاریک بلند می شود که تمام آسمان کابل را تاریک می کند. از منطقه افشار از خانه های نیمه سوخته دو آتش به طرف آسمان بلند است اجساد هزاران هم وطن به خون غلتیده دیده می شود که خود یک فاجعه انسانی و نسل کشی را نشان می دهد که در تاریخ بشریت کم اتفاق افتاده باشد.

در جریان این ملاقات به دفتر کریم خلیلی همین فلم به صورت پرده سینمایی در حال اجرا بود. تمام حاضرین در سالون فلم را تماشا میکردند. صحنه های دلخراش فاجعه بار این فلم واقعاً همه را جگر خون و احساساتی کرده بود. من هر قدر کوشش کردم اشک خود را بگیرم نتوانستم صورتم را با چادر پنهان کردم. پس از چند دقیقه گریه چادر خود را از پیش چشمانم دور کردم دیدم که همه حاضرین مرد و زن در سالون گریه میکردند. از جمله شخص خود کریم خلیلی بسیار به صدای بلند گریه می کرد. بعد از اینکه مجلس سکوت کرد گریه ها خاموش شد، ایشان دستمال سفیدی را از جیب خود بیرون کرده و چشم های خود را پاک کرده و گفت:

جوانان عزیز و فرزندان جهاد و مقاومت نگذارین که یک هزاره به دکتر عبدالله قاتل رأی بدهد.
هزاره ای که به داکتر عبدالله رأی بدهد پا به گلوی شهدای افشار و کودکان معصوم افشار گذاشته اند.

کریم خلیلی رو به طرف من کرد و گفت:

این مسئولیت به شماست که باید از خون دختران هزاره که در افشار زیرسنگ و کلوخ شده دفاع کنید، و این پیام را به سراسر هزاره جات برسانید.

پس از حرف های ایشان که گلوی همه حاضرین را بغض گرفته بود هیچ کسی چیزی نمی گفت.

من صد دل را یک دل کرده سوال کردم :

استاد من در یک کتاب خواندم که داکتر عبدالله در زمان جنگ رئیس دفتر بود در آن وقت در میدان های جنگ نمی رفته.

ایشان به طرف من با نگاه بسیار جالب دیده و گفت :

دختر این فلمی که مشاهده کردین خارجی ها از طریق فضا گرفته اند. تمام جنایاتی که از طرف جمعیت اسلامی به کابل شده به سازماندهی همین خائین داکتر عبدالله شده است.

من گفتم: پس وقتی که این همه جنایات را داکتر عبدالله در حق مردم افشار کرده است پس چطور می توانیم با یک عدد CD به تمامی مناطق هزاره جات اطلاع رسانی کنیم؟

ایشان با اندکی سکوت گفت:

شما مرا وقت بدهید من تعداد ۱۰۰۰۰۰۰ هزار CD را فرمایش دادم آماده شود تا در اختیار شما قرار بدهم شما با کمک جوانان می توانید آنرا در سراسر هزاره جات پخش کنید. و خطاب به من فرمود:

اگر شخص خود شما در ولایت ها سفر کنید سفر خرچ شما از طرف دفتر برای شما پرداخته می شود. از دوستان حاضر در جلسه تعدادی حاضر شدند که به ولایت ها رفته ایفای وظیفه کنند. تعدادی هم در داخل کابل فعالیت کند. چهار روز بعد از دفتر ایشان به من زنک زدند که CD ها آماده شده CD ها را دریافت کرده در بین دوستان تقسیم کردیم تعدادی دوستان رفتن به ولایت ها و تعدادی هم در کابل CD ها را خانه به خانه پخش کردند.

انتخابات دوره دوم برگزار شد. پس از جار و جنجال های زیاد اشرف غنی رئیس دولت شد. و از آن به بعد من دیگر موفق به دیدار کریم خلیلی نشدم.

اما سخن رانی امروز ایشان را که دیدم و شنیدم به داکتر عبدالله برادر خطاب کرده و گفت: که خانه هر یک جهادی های ما دفتر کمپین داکتر صاحب عبدالله است. از هر یک نسل جهادی و مجاهد می خواهم که از کمپین داکتر صاحب عبدالله به صورت جدی حمایت کنند.

خدا میداند وقتی من این جمله سخنان ایشان را شنیدم مات و مبهوط شدم ک:

- چطور شد که داکتر عبدالله عبدالله دیروز یک قاتل بود !!! و امروز یک مجاهد فی سبیل الله شد؟
- چطور شد که دیروز ۳۰ هزار نفر مردم هزاره را در افشار به آتش کشید و امروز وارث و خادم مردم هزاره شده؟

سخنان کریم خلیلی را که امروز از تلویزیون دیدم و شنیدم من از خودم خجالت کشیدم که من دنبال چی آدمی را گرفته بودم که سرپایش دروغ و حيله بوده است!



سخنان کریم خلیلی را شنیدم مات و مبهوط شدم

[Aao_f_daneshyar_sokhanaan_karim_khalili.pdf](#)